

نگاهی به کلیات حاجی حسین کنگورتی

در این مقاله تلاش شده است تا با یکی از شاعران برجسته ختلان زمین، حاجی حسین کنگورتی شاعر مشهور اواخر سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰ آشنایی حاصل شود.

در دوران شوروی مجال سخن بسی تنگ بود و هر کس هم جرأت نمی کرد که در مورد شخصیت و آثار شعرای صوفی و عرفای نکته سنج سخنی بگوید، یا چیزی بنویسد. ولی به رغم همه فشارها و تعقیب‌های عقیدتی، مردم ادب‌دوست و پر فرهنگ ما توانستند نام و آثار آنان را از خط نیستی و نابودی نگاه دارند. حاجی حسین از زمرة چنین شاعران صوفی و عارف است که نام و آثار او تاکنون باقی مانده است. این که مطربان و آوازخوانهای تاجیک به ویژه مغنایان معروف کشور امثال آدینه هاشم، هنرمند قصید قیام الدین خیرالدین به حدود ده غزل او آهنگ بستنده که این نشانه محبت و اخلاص بی‌اندازه آوازخوانان به اهل سخن و از جمله حاجی حسین است.

چند بیت از یکی از غزلهای شاعر که استاد شهیر عرصه هنر زنده‌یاد آدینه هاشم در نهایت زیبایی اجرا نموده است، چنین می‌باشد:

موسم نوبهار شد آن مه گلزار کو؟
غنجه و گل قطار شد بلبل دلگار کو؟
باد صباح می‌وزد از طرف دیار لیک
غالیه مراد نی مژده آن نگار کو؟
لاله راغ هر سحر داغ دلی است در نظر
غنجه و گل همین اثر دارد و اعتبار کو؟
مخلس عشق هر کجا جام شراب مر کرا؟
طبع شکفتهام کدام خاطر بی‌غبار کو؟

نیست تحمیلی که من تانگرم به گلستان
غنجه دل به خون شکفت بر گلم اختیار کو...

چنان که قبلاً به این موضوع اشاره داشتیم، حاجی حسین در زمینه علوم ادبی، بخصوص در رشته لغت، صرف و نحو و بیان دانش وافر داشته است، چنان که خود می‌گوید:

جز مذهب خود یک جهتان هیچ نهمند
ز الفاظ «مجسطی» و از «زنده» و خط «پازند»^۲

این بیت نشان می‌دهد که حاجی حسین از علوم دوره‌های قدیم باخبر بوده است. از این نمونه‌ها در «کلیات» زیاد به نظر می‌رسد. اما در اینجا لازم از به برخی از واژه‌هایی اشاره شود که در کلیات حاجی حسین خاص می‌باشد.

دوتار: گونه‌گویی آن دیتار (ditār) است. ساز مشهور موسیقی است که در میان فارسی‌زبانان دنیا مشهور است. قاموس‌نگاران کلمه دوتار را در ردیف سایر مواد لغت شرح داده‌اند. از جمله محمد پادشاه^۳ و محمد غیاث الدین^۴ دوتار را نام سازی مثل سه‌تار گفته‌اند. در «فرهنگ امید» می‌خوانیم: «دوتار... نوع ساز سیمی که میان بعضی طوایف متداول است».^۵

محقق افغان عبدالله افغان‌نویس آن را «سازی شبیه تنبور که دسته دراز دارد»^۶ شرح معنی کرده است. در «فرهنگ فارسی امروز» دوتار این‌گونه توضیح یافته است: «ساز زهی، دارای دو سیم که بیشتر در شمال خاوری ایران و کشورهای هم‌جوارش رایج است».^۷ کسیلیوا ل.ن. (L.N.) و میکولا یچیک و.ا. (Mikolajchik V.I.) دوتار را چنین ترجمه کرده‌اند:

^۸ «двуухструнныи музыкальныи инструмент»

جائی تأسف است که در لغت دوجلدی نامدار ما - «فرهنگ زبان تاجیکی»^۹ که در تفسیر مقوله‌های لغوی گهگاه به «کلیات» حاجی حسین نیز استناد شده است، واژه دوتار وجود ندارد. به عقیده نگارنده، کاربرد کلمه دوتار در نظم کلاسیک از شعر حاجی حسین آغاز می‌شود:

چو تاب زلف توام دل زتاب می‌لرزد

به هر دمی که زند تاری بر دوتار انگشت^{۱۰}

پناه به معنی حمایت و حفاظت است که در فارسی و تاجیکی کاربرد دارد.

در سبک عامیانه (فارسی- دری- تاجیکی) ترکیب پناه به خدا^{۱۱} هم مشاهده می‌شود، اما صورت «پناهی» (panāhi) مرادف کلمه «پنهانی» در برخی از لهجه‌های تاجیکی باقی مانده و در «کلیات» نیز استفاده شده است:

داغم از غم که مرا بر سر راهی نکُشی به گناه نظر کرده پناهی نکُشی^{۱۲}

چَرخه (چیزی که زنها با آن رسماً رسند) و چکن:

مادر ایام کرد زاطلس شفقت قُمات دوخت بر اندام تو تار مروت چکن^{۱۳}

این دانشمند با رعایت دستور سنتی واژه‌سازی، خود واژه‌هایی ساخته است که ارزش اشعار را دو چندان می‌کند، واژه‌هایی از قبیل بی‌هنگ (بی فرهنگ)، ناقبول (بزهکار)، پُرآشفت، سیرآهنگ (پرآهنگ)، همخاک، بی‌درنگی، ناآدمی، ناگمانی (ناباوری)، قدرتگار، نرگستان، صدفسان، تمثالوار، خندهزار و ... و نیز ترکیباتی همانند آهنکار، حرمت‌علامت، هوس‌آواره، خزینه‌خانه، جان‌هلاک، عادتگیر (عادت کننده)، روح‌آمیز، طرب‌دار، سرکوفته، نازک‌نهال، خط‌کردار، شیرین‌نما، بَدنواز، سازنویس، پخته‌نما، مستانه گَرد و ...

در «کلیات» ترکیب‌های فعلی مانند ذخیره کاشتن (باید ز همه ذخیره کاری/ زیرا که همه در اوست مغلوب^{۱۴})، نصیبه گرفتن (باشد که دمی به خلوتی بنشینیم / زان پسته و قند نصیبه گیریم یکچند^{۱۵}) مشاهده می‌گردد که از پیوند سخن حاجی حسین بالفظ مردم خبر می‌دهد.

در زبان خلق فعلهای ذخیره کاشتن (به معنی کشتن) که از حاصل آن امکان پسانداز موجود باشد، نصیبه گرفتن (به معنی حق یا حصه خود را گرفتن) کاربرد دارد.

ترکیبات به دشت انتظار افتادن (افتاده به دشت انتظارت / شاید گذری سوار بر ما)^{۱۶} مژه سفید کردن (نور نگاه زین سپس بر سر دیدگان نشین / مژه سفید کرده‌ام مدت انتظار کو؟)^{۱۷}، به منصب دلگشانی نداشتن / دماغ حکمرانی نداشتن (به منصب دلگشانی هم ندارم / دماغ حکمرانی هم ندارم)^{۱۸}، دماغ سرکشی از سر انداختن (دماغ سرکشی از سر بینداز / اگر بر آسمان‌ها زینه داری)^{۱۹} از تعییرهای مجازی شعر شاعرند که سخن عادی را رنگین و جالب و مؤثر نموده‌اند. در یک کلام، زبان شعر حاجی حسین کنگورتی ویژگی‌هایی دارد که بررسی آنها در مرحله امروزه رشد زبان تاجیکی همچون زبان ملی سودمند خواهد بود.

پانوشتها :

- ۱- مجله صدای شرق، دوشنبه، ۲۰۰۶، شماره ۳، ص ۱۴۰-۱۳۶.
- ۲- حاجی حسین کنگورتی- «کلیات»، ص ۱۵۸.
- ۳- ذمیه با دو تار؟، هفتادنامه «ادبیات و صنعت»، دوشنبه، ۱۹۸۵.
- ۴- «فرهنگ آندراج»، تأثیف محمد پادشاه مخلص به «شاد»، جلد سوم، انتشارات کتابخانه خیام، تهران، ۱۳۴۵، ص ۳۴۶.
- ۵- «غیاث اللغات»، تأثیف محمد غیاث الدین، جلد ۱، ملحقات، توضیحات و فهرست امان نوراف، نشریات «ادیب»، دوشنبه، ۱۹۸۷، ص ۳۴۶.
- ۶- «فرهنگ امید»، ص ۵۱۲.
- ۷- «لغت عامیانه فارسی افغانستان». تأثیف عبدالله افغان نویس، کابل، ۱۳۶۴، ص ۲۷۷.
- ۸- «فرهنگی فارسی امروز»، غلامحسین صدری افشار، نسرین حکمی، نسترن حکمی، مؤسسه نشر کلمه، تهران، ۱۳۷۴، ص ۵۶۳.
- ۹- کسیلیوا ل.ن.، میکولا یچیک و.ا. فرهنگ دری به روسی (به زبان روسی)، انتشارات «روسکی بزرگ»، مسکو، ۱۹۷۸، ص ۳۷۷.
- ۱۰- «فرهنگ زبان تاجیک»، دو جلد، مسکو، ۱۹۶۹.
- ۱۱- همانجا، ص ۲۳.
- ۱۲- «فرهنگ فارسی به پهلوی». تأثیف دکتر بهرام فرهوشه، انتشارات دانشگاه تهران، تاریخ انتشار ۱۳۸۱، شماره ۱۷۴۹، ص ۱۱۵.
- ۱۳- کلیات، ص ۳۳۵.
- ۱۴- همانجا، ص ۴۶۶.
- ۱۵- همانجا، ص ۲۹۲.
- ۱۶- همانجا، ص ۳۰۹.
- ۱۷- همانجا، ص ۳۷۷.
- ۱۸- همانجا، ص ۳۴۸.
- ۱۹- همانجا، ص ۲۷.